

هویت معماری؛ تبیین معنای هویت در دوره‌های پیشامدرن، مدرن و فرامدرن*

دکتر محمدجواد مهدوی نژاد** دکتر محمدرضا بمانیان*** ندا خاکسار****

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۳/۳۰

تاریخ پذیرش نهایی: ۸۹/۱۰/۲۰

چکیده

هویت از موضوعات بحث برانگیز معماری معاصر ایران است. ضرورت دستیابی به معماری با هویت ایرانی، موضوعی است که ضمن تاکید شدن در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه کشور به خواست ملی نیز تبدیل شده است. برای دستیابی به این مهم، ابتدا باید سیر تحول معنایی واژگانی آن تدقیق شود. لذا ضمن بررسی تغییر مفهوم هویت در دوران معاصر، به روش تفسیری - تاریخی با استفاده از تدابیر تحلیلی - مقایسه‌ای به تحلیل جایگاه این مفهوم در متون تخصصی معماری، طی دوره‌های پیشامدرن، مدرن و فرامدرن پرداخته شد. از این رو ابتدا نظریات اندیشمندان تاثیرگذار جهان معماری در رابطه با هویت بررسی می‌شود. سپس نحوه تجلی این اندیشه‌ها در ساحت معماری، طی سه دوره مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در انتها بر مبنای چارچوب نظری، معنای هویت در ساحت معماری، طی دوره‌ها تدقیق می‌شود.

واژه‌های کلیدی

هویت، پیش از مدرن، مدرن، پست مدرن، هویت معماری

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد ندا خاکسار است که در دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس در حال انجام است.

** استادیار دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (مسئول مکاتبات) E-mail: mahdavinejad@modares.ac.ir

*** دانشیار دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران E-mail: bemanian@modares.ac.ir

**** دانشجوی کارشناسی‌ارشد معماری، دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران E-mail: khaksarneda@gmail.com

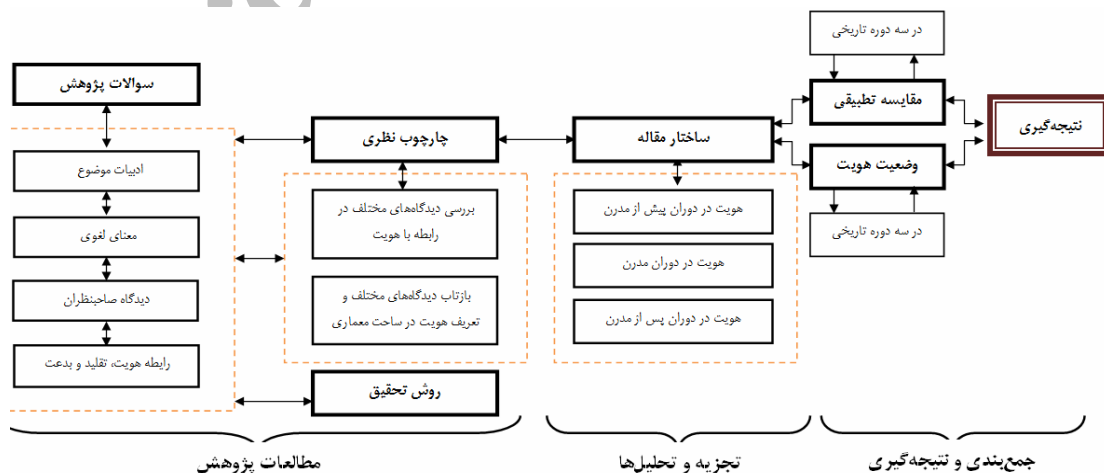
مقدمه

مطلوبیت کافی برخوردار نبود. این مسئله در جهان بطور عام و در کشورهای جهان سوم بطور خاص روی داد. مطالعات نشان داده است این مشکل در کشورهای جهان سوم بیشتر رخ نموده است چرا که معماری مدرن به این کشورها صادر شده و همین مسئله گسستی در روند ساخت فضاهای معماری ایجاد کرده است. بنابراین از دوران مدرن با ورود دستاوردهای نوین و متعدد، انتخاب مولفه‌هایی برای ساخت فضای معماری که معرف ویژگی و خصوصیات فرهنگی منطقه نیز باشد دشوار گشت و این معضل در کشورهای جهان سوم به موضوعی حیاتی جهت حفظ و بقاء هویت فرهنگی ساکنان این کشورها مبدل شد که تحت عنوان «جستجوی هویت» مطرح گردید. از دوران مدرن تا به حال گروه‌های مختلف به تناسب جهان‌بینی‌های خود، با این امر چالش داشته‌اند، اما هنوز این مساله پیش‌روی معماری معاصر قرار دارد. پرسش‌های فراوانی در این حوزه مطرح شده است؛ نظیر: معنای هویت چیست؟ مسئله هویت چرا و چگونه مطرح شد؟ چه کیفیت‌ها و ویژگی‌هایی معماری با هویت را در طول تاریخ شکل داده و می‌دهد؟ این پرسش‌ها گامی در شناخت و وسعت چالش دوران معاصر محسوب می‌شود.

سوال تحقیق: معنای «هویت» در دوران سنتی، مدرن و فرامدرن چه تفاوتی دارد؟ تجلی این تفاوت در ساحت معماری چگونه است؟
روش تحقیق: بر اساس پارادایم «آزادپژوهشی»، از روش تحقیق «تحلیلی - مقایسه‌ای» با استفاده از روش تحقیق (شکل ۱) «تفسیری-تاریخی» بررسی شده است (Groat et al., 2002, 135-173).

هویت ایرانی - اسلامی بیانگر خصوصیات فرهنگی و مشخصات این سرزمین است. موضوعی که باید در تمام شئون زندگی، بخصوص عرصه معماری و شهرسازی نیز متجلی شود. دستیابی به معماری با هویت، موضوعی بسیار پر اهمیت در معماری معاصر ایران است. کوشش در حرکت به سوی معماری با هویت در معماری و شهرسازی معاصر ایران، پاسخی به نیازهای معنوی انسان‌ها، در کنار تمامی نیازهای مادی ایشان است. ضرورت حرکت به سوی این مفهوم در برنامه‌های اول و دوم توسعه کشور به صورت کلی و در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه به تفصیل مورد توجه قرار گرفته است. اهمیت موضوع تا جایی است که در صدر چارچوب کلی برنامه پنجم توسعه نیز مشاهده می‌گردد. نیاز به شهرهای با هویت ایرانی - اسلامی، امروزه به خواستی عمومی و فراگیر تبدیل شده است، به گونه‌ای که علاوه بر نهادهای قانونی و ساختارهای رسمی جامعه، بسیاری از گروه‌های مردمی نیز متقاضی آن شده‌اند.

در دوران مدرن با وقوع انقلاب صنعتی و شکل‌گیری جهان‌بینی جدید نوعی معماری صورت گرفت که مدعی بود می‌تواند در تمامی نقاط دنیا به صورت هماهنگ و هم‌شکل اجرا شود. این گرایش با فاصله‌گرفتن از ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی و ویژگی‌های منطقه‌ای، خردگرایی محض و عقلانیت ابزاری را تبلیغ می‌کرد. از این رو نوعی معماری عملکردگرایانه رایج شد که از هنجارهای فرهنگی و سنتی فاصله معناداری داشت که در میان مردم از



ماخذ: نگارندگان

شکل ۱- فرایند تحقیق و نمودار استنتاج

بررسی دیدگاه‌ها در رابطه با هویت معنای لغوی

هویت در فرهنگ لغت دهخدا عبارت است از تشخیص و همین معنی میان حکیمان و متکلمان مشهور است (دهخدا، ۱۳۳۴، ۳۴۹). در فرهنگ عمید هویت یعنی حقیقت شیء یا شخص که مشتمل بر صفات جوهری وی باشد. هویت در لغت به معنای شخصیت، ذات، هستی و وجود و منسوب به هو می‌باشد (عمید، ۱۳۶۳، ۱۹۱۴). در فرهنگ معین هویت اینگونه بیان می‌شود: ۱- ذات باری تعالی؛ ۲- هستی، وجود؛ ۳- آنچه موجب شناسایی شخص بشود (معین، ۱۳۷۱، ۵۲۲۸)، یعنی آنچه باعث تمایز فرد از دیگری شود. از این رو هویت در خلاف مطرح نمی‌گردد الزاماً یک خود وجود دارد و یک غیر و گرنه شناسایی معنا پیدا نمی‌کند (میر مقتدایی به نقل از کاربان، ۱۳۸۳، ۳۲). آکسفورد از هویت به عنوان کیستی و چیستی شخص یاد می‌کند (Oxford, 2008).

هویت از منظر صاحب‌نظران

هویت از منظر اندیشمندان: استورات هال هویت را یک روند در حال شدن می‌داند که شناسنامه و عامل شناخته شدن است (قطبی، ۱۳۸۷، ۸۱). هویت عامل شناسایی فرد از افراد، شیء از اشیاء و گروه از سایر گروه‌ها به حساب می‌آید. چارلز جنکز معتقد است: «هویت طبقه‌بندی اشیاء و افراد و مرتبط‌ساختن خود با چیزی یا کسی دیگر است.» (تاجیک، ۱۳۸۴، ۱۱-۲). به بیانی دیگر هویت محملی برای قرارگیری مشمولات می‌باشد. همچنین می‌توان از آن به عنوان لایه ورود پدیده‌ها به شامل شدن در یک اجتماع یاد کرد.

علی‌رغم این واقعیت که هویت در مشابهت ریشه دارد، همواره به تفاوت نیز مربوط می‌گردد. کاترین وودوارد معتقد است که هویت از طریق تشابه ارزیابی می‌شود؛ تشابه با انسان‌هایی مثل ما و تفاوت با آنهایی که مثل ما نیستند (میر مقتدایی، ۱۳۸۳، ۳۲). از این رو لغت هویت مستلزم درک دو معنای متضاد است؛ دو معنایی که در تقابل‌های دوگانه در مقابل هم قرار می‌گیرند ولی در واقع تکمیل‌کننده یک مفهوم به نام هویت هستند. این دو معنا شباهت و تفاوت می‌باشند؛ شباهت درون‌گروهی در عین تفاوت برون‌گروهی. این کیفیت به مفهوم متباین بودن در عین هماهنگی نیز شباهت دارد و می‌توان آن را «تمایز از غیر و تشابه با خودی» دانست (همان). هویت بطور ضمنی بیانگر این حقیقت است که هر پدیده از طریق بروز برخی صفات عینی و ذهنی، شباهت خود را با گروهی از اشیاء و تفاوتش را از گروهی دیگر نشان می‌دهد. از این رو هویت عامل شناسایی پدیده در ضمن داشتن دو مفهوم تفاوت و شباهت معرفی و تبیین می‌شود.

هویت از منظر معماران و شهر سازان: کریستوفر الکساندر، هویت را تجسم کالبدی کیفیت‌های بی نام در بناها می‌داند،

کیفیت‌هایی که مبنای اصلی حیات و روح هر انسان، شهر، بنا و یا طبیعت بکر هستند، اما نمی‌توان نامی بر آنها گذاشت (الکساندر، ۱۳۸۱، ۴۵۷). والتر بور معتقد است که هویت همان تفاوت‌های کوچک و بزرگی است که باعث بازساخت یک مکان و خوانایی محیط می‌شود و حس دل‌بستگی محیط را بوجود می‌آورد (قطبی، ۱۳۸۷، ۸۱). کالن بر اهمیت تفاوت هر محیط با سایر محیط‌ها تأکید دارد. او هویت را توجه به شخصیت فردی هر محیط و پرهیز از یکنواختی و تشابه محیط‌های شهری از طریق به جلوه در آوردن ویژگی‌های خاص هر محیط تعریف می‌کند (همان). از نظر رایاپورت هویت قابلیت تمیز و تشخیص عنصری از عنصر دیگر است (همان). رایاپورت در زمینه مسئله هویت راه حل هوشمندانه‌ای را ارائه می‌دهد و هویت عمومی و خصوصی را تبیین می‌کند و معتقد است که باید دو نوع ابراز هویت از یکدیگر تشخیص داده شوند (فن مایس، ۱۳۸۴، ۱۶۷):

- ۱- هویت خصوصی: تثبیت هویت برای خویشتن و نزدیکان خویش و تنها آگاهان می‌توانند این نمونها را تشخیص دهند.
- ۲- هویت عمومی: نمونها‌های این ابراز هویت باید روشن، مکرر و شناخته شده باشند.

دارا بودن هویت خصوصی به معنای تفاوت برون‌گروهی است. در حالی که هویت عمومی به معنای داشتن تشابه درون‌گروهی است. لذا دارا بودن هویت مستلزم داشتن دو کیفیت تفاوت و تشابه خصوصیات، بطور همزمان است؛ این خصوصیات باید به گونه‌ای باشند که جسم شهر در عین تداوم زمانی، در حال تحول و تکامل نیز باشد و نهایتاً به پیدایش کل منجر شود (میر مقتدایی، ۱۳۸۳، ۲۵). در تعریف فوق سه معیار ارزیابی هویت - تمایز از غیر و تشابه با خودی، تداوم و تحول و وحدت در کثرت - بطور ضمنی بیان شده که از میان آنها، معیار تمایز از غیر و تشابه با خودی اصل زیر بنایی است و دو معیار بعدی زیر مجموعه آن به حساب می‌آیند. همچنین از میان این دو معیار، ویژگی تداوم و تحول بیشتر در رابطه با معماری تک بنا مطرح است که ملحوظ داشتن این ویژگی، به شهر وحدتی می‌بخشد که حاصل کثرت اجزاء متفاوت آن بوده و ویژگی وحدت در کثرت عینیت می‌یابد.

رابطه هویت، تقلید و بدعت

رابطه هویت و تقلید: در عرصه معماری بحث از هویت، تقلید از آثار گذشته را به ذهن متبادر می‌کند در حالی که هویت با تقلید از گذشته متفاوت است چرا که در بهره‌گیری از آثار گذشته اگر اشکال و فرم‌ها به طور خلاصه و جسد گذشته تکرار شوند نامی جز واپس‌گرایی را نخواهند یافت (تقی زاده، ۱۳۶۹، ۹۰). الکساندر (۱۳۸۱، ۴۵۷) در این زمینه معتقد است که هویت در بناها نه ناشی از تاریخی بودن و نه ناشی از ابتدایی بودن روند احداث آن‌هاست، تنها ملازمت و همراهی ضرورت‌ها

مفهومی پویا است که در گذر زمان دچار تحول می‌شود و تاثیرپذیری از زمان و روح زمانه از ضرورت وجودی آن است.

بررسی معنای هویت در سه بازه زمانی

هویت در دسته بندی‌های مختلف مذهبی، سیاسی، شغلی قابل بررسی است. در این نوشتار تنها به بررسی هویت غالب طی سه دوره زمانی پیش از مدرن، دوران مدرن و پس از مدرن پرداخته می‌شود و از آنجا که معماری هنری است که رسالت تجسم کالبدی و عینیت بخشی افکار و عقاید در بنا را عهده‌دار است، بررسی دیدگاه‌ها و بازتابشان در معماری سه دوره معنادار خواهد بود.

دوران پیش از مدرن

هویت در روزگار پیش از مدرن: مفهوم هویت در دوران پیش از مدرن به صورت امروزی مطرح نبود چرا که مورد شک و پرسش قرار نگرفته بود. جو غالب این دوران جو مذهبی بود که از آن به «توتالیته مذهبی» (قبایان، ۱۳۸۳، ۲۴) یاد می‌شود. به گفته هایدگر در این دوران هویت آدمی محصول کارکرد یک نظام مقتدر و از پیش تعیین شده باورهای دینی و آئینی و اسطوره‌ایی بود (قطبی، ۱۳۸۷، ۷۹). انسان پیش از مدرن از اصولی پیروی می‌کرد که از سوی پروردگارش صادر شده و از سوی فرستادگان برگزیده ابلاغ شده بود (حجت، ۱۳۸۴، ۵۸). از این رو در این دوران باورها و اعتقادات دینی غالب بوده و انسان در پی «یافتن هویت الهی» (همان، ۶۰) همواره در تلاش بوده و از اصول الهی تبعیت می‌کرد. بنابراین هویت در این دوران واحد و الهی تلقی می‌شد و عالم پیش از مدرن به سمت همگرایی پیش رفت که از آن به عنوان عالم وحدت‌گرا یاد می‌شود.

هویت در معماری پیش از مدرن: مفهوم هویت در

معماری پیش از مدرن به تبع روزگار آن به شکل امروزی مطرح نشده بود. تاکید معماری گذشته بر کرامت انسان بود و معماری کارایی، پایایی و زیبایی را برای تکریم مقام انسان می‌خواست (حجت، ۱۳۸۲، ۶۵). معماری در این دوره تنها محوری بود که معماران در امتداد و در گرد آن حرکت می‌کردند (حجت، ۱۳۸۴، ۵۹) و بناهایی می‌ساختند که بیشتر تکامل یا ترکیبی از ارزش‌های معماری گذشته بود تا ارزش‌های خلق شده توسط معمار. در آن دوره معتقد بودند که نوآوری در تکمیل تدریجی می‌باشد و معماری شکل گرفته اثری است جدید اما زاده موجود و مکمل آن که معمار به اندازه توان خود، ارزشی به ارزش‌های معماری می‌افزاید و ادعای معماری خلق الساعه را ندارد (حجت، ۱۳۸۲، ۶۵). نتیجه این رویکرد در شهر سازی این دوره، منظومه بناهایی متأثر از محدودیت‌های اقلیمی و فنی تحت سیطره بینش سنتی بود. به دلیل نظم و خوانایی حاصل شده در شهر و بر اساس ویژگی‌های خاص هر بنا و نوع قرارگیری آنها در کنار هم، معماری پیش از مدرن به «معماری ما»

اهمیت دارد. هگل نیز ساخت دوباره بناهای تاریخی را متمایز از هویت می‌داند و معتقد است: «رویدادهای تاریخی همیشه دو بار روی می‌دهد: بار اول به صورت تراژیک و بار دوم به صورت کمیک و هر کوششی برای تکرار آگاهانه صورت‌های تاریخی گذشته جز به صورت دوم نخواهد بود.» (آشوری، ۱۳۸۴، ۸۴). بعلاوه بهره گیری از سنت در آثار معماری نیز به معنای تکرار و تقلید آثار گذشته نبوده و بر اصول و مبانی نظری و فلسفی که خود نیز در حال تکامل هستند متمرکز می‌باشد (تقی زاده، ۱۳۷۹، ۹۰). به تعبیر ادوارد سعید پرسش از هویت چگونه «خود ماندن» است نه چگونه «همان ماندن» (مهدوی نژاد، ۱۳۸۳، ۱۰). «همان» ماهیتی است که در برابر زمان مقاومت می‌کند ولی «خود» در زمان شکل می‌گیرد و بی آن ناپدید می‌شود (رحیم زاده، ۱۳۷۹، ۲۷۳-۲۶۱).

رابطه هویت و بدعت: در بسیاری موارد هویت متضاد با

نوآوری قلمداد می‌گردد. در حالی که نه تنها در تقابل با هم نیستند بلکه لازمه یکدیگرند. «نوگرایی مطلوب، پذیرش اصول و ارزش‌های اصیل و فرهنگی و هویت بخش گذشته به همراه تجلی مطابق نیاز انسان و نیز بومی نمودن هر آنچه که از سایر تمدن‌ها وارد شده و تراجم با ارزش‌های فرهنگی جامعه ندارد، می‌باشد» (تقی زاده، ۱۳۷۹، ۹۰). به بیانی دیگر می‌توان نوگرایی را یافتن پاسخ مناسب زمان و مکان به خواسته های مخاطب از طریق بهره گیری از آراء و تجارب پیشینیان و تکامل بخشیدن آنها دانست که همواره بطور ضمنی به پویایی، تصفیه و تکامل مداوم فرهنگ و جامعه نیز توجه دارد. نوگرایی به دستاورد های علمی و فنی دیگران به عنوان وسیله و ابزاری برای تحصیل آرمان ها و اهداف انسانی منبعث از باورها و فرهنگ ملی می‌نگرد و در صورتی که عامل تشخیص و علامت برتری به شمار آید، تحصیل آن، نتیجه ای جز حقارت جامعه را در پی نخواهد داشت (همان، ۸۹). نوآوری نیز با بدعت متفاوت است. نوآوری آنگاه از جنس خلاقیت است که جدید زاده موجود و مکمل آن باشد و آنگاه که جدید جایگزین موجود و متضاد با آن باشد از نوع بدعت خواهد شد (حجت، ۱۳۸۴، ۶۶) و با هویت همخوانی نخواهد داشت.

از این رو چیزی به دلیل متجدد بودن و یا تعلق به معماری گذشته حائز اهمیت و ارزش نمی‌گردد بلکه درستی و صلابت طراحی است که در کانون توجه قرار دارد. معماری شراب یا پنیر نیست که یکی به سبب کهنه‌بودن و دیگری به صرف نو بودن، عنوان بهتر بودن به خود بگیرد (نوحی، ۱۳۷۴، ۶۰۹). «تداوم» ارزش‌های خودی به معنای پیوند با گذشته و عدم انقطاع، در عین نوآوری و خلاقیت با توجه به شرایط زمانه که از آن به «تحول» یاد می‌شود، در راستای یکدیگر می‌توانند هویت کالبدی را شکل دهند (میر مقتدائی، ۱۳۸۳، ۲۹). بنابراین هویت در معماری نه صرف تقلیدی بودن است و نه بدیع بودن. مفهوم هویت در معماری با نیازهای افراد مرتبط است و زمان حال را شامل می‌شود. هویت،

نیازهای فرهنگی، اجتماعی نهاد یافته گرفته شد. از دیگر ویژگی‌های این دوران ادعای جهانی مدرنیته بود که سر نزاع با تمام خرده هویت‌های موجود در جهان با آن همه سابقه تاریخی داشت (قطبی، ۱۳۸۷، ۸۰) و همواره در پی «بافتن هویت ویژه برای جهانیان» بود. از این رو عصر مدرن به «عصر ایدئولوژی آفرین» (قبادیان به نقل از رهنورد، ۱۳۸۳، ۹۲) شهرت یافت. انتخاب این لقب برای این دوره دلیلی بر رواج بی‌هویتی و یا به تعبیر بهتر گسترش هویت جهانی دارد. در این دوران قراردادهای اجتماعی مبنی بر نظر اکثریت جایگزین اصول ابلاغ شده الهی در دیدگاه سنتی شدند (شکل ۳).



شکل ۳- ویلا ساوا، فرانسه؛ معماری مدرن و مکعب‌های بی‌روح
مأخذ: قبادیان، ۱۳۸۲، ۶۲

هویت و معماری مدرن: با وقوع انقلاب صنعتی، ساخت صنعتی در تمامی صنایع مطرح شد. صنعت ساختمان نیز از این رویداد متأثر گشت. معماری مدرن تحت تاثیر انقلاب صنعتی، به ساخت و ساز صنعتی، استاندارد سازی و تولید انبوه روی آورد. ساخت بناهای مشابه در اقصی نقاط جهان، بدون در نظر گرفتن عوامل اقلیمی، محیطی، فرهنگی دلیلی بر این ادعا است. بنابراین از زمان مدرنیته با تکیه بر خردگرایی و عقل مداری محض، نیازهای عاطفی، معنوی و روحی انسان نادیده گرفته شد و بازتاب این دیدگاه در معماری، به عملکردی منجر گردید و کیفیت زیست را به بن بست رسانید (احمدی، ۱۳۷۲، ۲۶). «جهان مدرن با تکیه بر خرد گرایی، آسایش انسان معاصر را تحت تاثیر قرار داده و او را در یک ماشین منزوی ساخته است. عقل مدرن بیش از آن که در خدمت انسان قرار گیرد، انسان را در بند زندگی ماشینی اسیر کرده و خصوصیات انسانی او را تحت الشعاع قرار داده است.» (مهدوی نژاد، ۱۳۸۳، ۹). الکساندر (۱۳۸۱، ۹) معتقد است: «در مقطعی از معماری مدرن به مظلوف معماری توجه مفرط شد و اکتفا به بخشی از زندگی انسان، یعنی کارکردهای مادی و جسمانی، نهضت مدرن را از پدید آوردن فضاهای درخور زندگی کامل انسانی یعنی فضاهای زنده و سعادت بخش، ناتوان ساخت.» بنابراین عدم شناخت از

(همان، ۶۰) تعبیر می‌شود. آنچه امروز از شهر سنتی مشهود است، بافته پر مایه ایی از صور با انسجام شهری است که به معنای ژرف وحدت در کثرت و حس وحدت در میان پراکندگی شباهت دارد (اردلان و همکاران، ۱۳۸۰، ۱۲۶) (شکل ۲).



شکل ۲- شهر ممنوعه چین؛ معماری متأثر از عوامل اقلیمی و فنی و بیش سنتی.
مأخذ: مهدوی نژاد، ۱۳۸۵، ۱۶۷

دوران مدرن

هویت در روزگار مدرن: اگرچه عوامل متعددی همچون عوامل صنعتی و اقتصادی، مذهبی و اعتقادی و بازسازی بعد از دو جنگ جهانی و یا عوامل فلسفی و علمی و فن‌آورانه به عنوان مبادی و مبانی مدرنیسم مطرح می‌شوند، اما عمده ترین عامل، تغییر تلقی انسان نسبت به موقعیت و جایگاه و نقش وی در عالم هستی می‌باشد (تقی زاده، ۱۳۷۹، ۸۱) چرا که در این دوران انسان از جایگاه جانشینی خدا به مقام جایگزینی خدا ارتقاء یافت (همان، ۸۲) به همین دلیل است که گفته می‌شود: «بحران هویت، بحران وارونگی جهان و جابجا شدن انسان و خداست.» (حجت، ۱۳۸۴، ۶۰). از آنجا که «مسئله هویت» در اثر تغییر و انسداد خود را مطرح می‌کند، تبدیل شدن جامعه سنتی به جامعه مدرن و شکل‌گیری جهان بینی جدید یکی از این تغییرات بود که در دوران معاصر زمینه ساز پرسش‌های زیادی در زمینه هویت گشت (قطبی، ۱۳۸۶، ۸۰). در دوران مدرن معیارهای سنجش سنتی هویت مردود اعلام شد و در نتیجه آن پرسش از هویت و معیارهای شناسایی آن مطرح گردید (حجت، ۱۳۸۴، ۶۰).

عقل گرایی به عنوان اصل بنیادین مدرنیسم کیفیتی ویژه داشت چنان که عقل مورد نظر، عقل یا استدلال مادی انسان بود که ارتباطی با جهان غیر مادی برای آن متصور نبود (تقی زاده، ۱۳۷۹، ۸۳). از این رو در دوران مدرن عقل مداری و عقل تک‌ساحتی و «انتزاع و تقلیل‌گرایی‌های علمی» (ایل، ۱۳۸۷، ۲۶۹) محور قرار گرفت و جنبه‌های دیگر زندگی فراموش گردید. بنابراین مساله هویت از زمان مدرنیته با عقل‌گرایی محض و انسان مداری مطرح شد. در این دیدگاه به مردم با فرهنگ‌های متفاوت به عنوان بشریت و یک کل برخورد گشت و



شکل ۴- خانه مادر ونچوری، فیلادلفیا؛ معماری پست مدرن و بکارگیری نماد در ساخت بنا. مأخذ: قبادیان، ۱۳۸۲، ۱۰۳

هویت و معماری پست مدرن: علت شکل‌گیری

پست‌مدرنیسم در معماری این است که معماری مدرن اعتبار خود را از دست داد چرا که نتوانست به طور موثر با استفاده‌کنندگان نهایی رابطه برقرار کند تا حدودی نیز به این دلیل که نتوانست پیوندی موثر با شهر و تاریخ برقرار کند. استراتژی کلی که معماران پست‌مدرن برای بیان کثرت‌گرایی فرهنگ در کارشان برگزیدند، ترکیب سلیق حرفه‌ای و مهارت فنی خودشان با سلیق مشتریان نهایی‌شان یعنی ساکنین بود. بر اساس تعریف جنکز در دوران فرامدرن طیف‌های متفاوتی مانند تاریخ‌گرایی، بوم‌گرایی امروزی، احیاگرایی مستقیم، معماری خلق‌الساعه و شهرسازی، معماری استعاره‌ای، نمادین و ماوراء الطبیعه و فضای پست‌مدرن شکل گرفتند (طاهایی، ۱۳۸۱، ۱۰۱). اغلب این گرایش‌ها با تمرکز و تاکید بر یک موضوع، نگاهی تقلیل‌گرایانه داشتند و هر گرایش، تنها به بخشی از مشکلات معماری مدرن می‌پرداخت و تنها پاسخگوی بخشی از نواقص و مشکلات بود در حالی که برای حل بحران موجود می‌بایست تمام نواقص برطرف می‌شد. همین روند موجب شکل‌گیری کثرت‌گرایی در عرصه معماری شد. فرامپتون رسیدن به خصیصه اساسی پست‌مدرنیسم را دشوار می‌داند. وی پست‌مدرن را واکنشی قابل فهم در برابر فشار مدرن‌سازی و لذا گریزی از تحت نفوذ قرار گرفتن زندگی منطقه‌ای و بومی توسط ارزش‌های مجموعه علمی و صنعتی می‌خواند (نوذری نقل از فرامپتون، ۱۳۷۹، ۱۰۲). شولتز در همین راستا می‌گوید: «جای شگفتی نیست که آثار معماری پست‌مدرن اغلب سطحی و دلخواهی به نظر می‌رسند. این موضوع ثابت می‌کند که مفهوم پس از یک دوره قصور در خلق معماری به آسانی باز یافتنی نیست.» (شولتز، ۱۳۷۲، ۲۳). از این رو گرایش‌های موجود در این دوران به دو نوع معماری در جهان منجر گشت؛ یک گروه آثارشان تقلیدی از معماری سنتی گذشته بود و

زندگی با تمام شئون آن از جمله جسمانی، روحانی و روانی و بازتاب این نوع شناخت در معماری باعث ایجاد بحران موجود در هویت معماری شد. در طول دهه‌های اخیر هر چه بیشتر آشکار شده است که رویکرد عمل‌باورانه (عملکردگرایانه)، به یک محیط شماتیک می‌انجامد که فاقد ویژگی و امکانات کافی برای باشیدن انسانی است و بدین علت است که مسئله معنا در معماری اهمیت می‌یابد (نسبیت، ۱۳۸۶، ۲۳). در دوران مدرن جنبه مادی همه چیز از جمله معماری به عنوان هدف اصلی برنامه‌ها و طرح‌ها مطرح گردید و هنر معماری تا حد یک شیء و به ساختمان‌سازی تنزل یافت (تقی‌زاده، ۱۳۷۹، ۱۵). در عرصه ساختمان‌سازی تنها خواسته‌ها و نیازهای محدود، واحد و بیولوژیکی آدمی مورد توجه هستند. از این رو معماری شکل‌گرفته در دوران مدرن به معماری «سبک بین‌الملل» شهرت یافت. انتخاب لفظ بین‌الملل، بی‌هویتی و به تعبیر بهتر هویت جهانی را پایه ریزی کرد و کاربرد لفظ بین‌الملل برای سبک معماری این دوره، بی‌توجهی به فرهنگ جوامع مختلف تلقی می‌شود.

دوران فرا مدرن

مفهوم هویت در روزگار فرا مدرن: در دوران پس از مدرن تقابل سنت و مدرنیته با دو جهان‌بینی متفاوت، مفهوم جدیدی از هویت را بوجود آورد. اما این بار مسئله کمی متفاوت بود چرا که مبنای اندیشه پست‌مدرن بر انکار اندیشه‌های مدرن بود اما جایگزینی برای آن نداشت. بطور کلی منطق پست‌مدرن منطق نفی است نه اثبات (آغاجری، ۱۳۸۰، ۶). پست‌مدرنیسم به منظور پاسخ‌گویی به مسئله هویت، ارزش‌های مدرن را به نقد کشید؛ او ادعای جهانی مدرنیته و نزاع آن با تمام خرده‌روایت‌ها و خرده‌هویت‌های موجود در جهان را نقد کرد. پست‌مدرنیسم مخالف ایدئولوژی و هر نوع فراروایت بود. اگر مدرنیسم عصر ایدئولوژی آفرین بود پست‌مدرن عصر پایان ایدئولوژی و پایان فراروایت‌ها بود (قبادیان، ۱۳۸۳، ۹۲). پست‌مدرن معتقد به تکثر و قرائت‌های مختلف و جامعه کثرت‌گرا بود. از نظر آنها روایت‌های خرد باید جایگزین روایت‌های کلان شوند. میشل فوکو در راستای انکار راه‌حل‌های جهانی معتقد بود که مشکلات محلی محتاج راه‌حل‌های محلی هستند (همان، ۹۳). فرا مدرن به هویت ثابت اعتقاد ندارد بلکه به کثرت در هویت معتقد است. چرا که در دوران فرامدرن «خواه نا خواه در شرف تکوین انسان چهل تکه هستیم که دیگر به هویت خاص ویژه تعلق ندارد و چند هویتی است» (شایگان، ۱۳۸۰، ۱۰). از این رو عالم پس از مدرن عالم کثرت است و انسان پست‌مدرن تابع قراردادهای شخصی خود می‌باشد و به دنبال «بافتن هویت ویژه برای خویشتن» است و تعبیر او از هویت، خود بودن است و نتیجه این دیدگاه به واگرایی عالم پس از مدرن می‌انجامد.

تفاوتی چشمگیر با دوران پست‌مدرن دارند. نمودهای معماری سنتی مانند بهره‌گیری از طاق و قوس، گنبد و مناره و مصالح آجری و تزئینات، ترجمان فناوری ساخت و باورها و اعتقادات در آن دوران بوده است، در حالی که نمودهای آن در معماری پست‌مدرن نوعی گرایش تقلیدی داشتند.

در حوزه **طراحی معماری**، تقلید از معماری گذشته و گرت‌برداری (کلاژ) از شکل‌های معماری کهن و یا تقلید از معماری مدرن در آثار معماری پست‌مدرن مشاهده می‌شود، از این رو معماری پست‌مدرن به «معماری من‌ها» لقب گرفته است. این نوع طراحی منجر به شکل‌گیری شهرهایی واگرا شده که در مقابل معماری هم‌گرا و منسجم دوران سنتی قرار می‌گیرد؛ معماری‌ایی که متناسب با مقتضیات زمان و مکان دوران کهن بوده است.

حال در دوران معاصر برای پاسخگویی به بحران هویت و حل مشکلات ناشی از آن، لازم است از سنت‌های معماری بهره برده شود. بازگشت به سنت‌ها و الهام از معماری سنتی با آنچه سنت‌گرایی فرامدرن خوانده می‌شود متفاوت است و همان گونه که تجربه فرامدرن در سالهای اخیر نشان داده با استفاده از آن نمی‌توان به یک معماری با هویت دست یافت؛ چرا که نتیجه این جریان، شهرهایی آشفته، مبهم و طنزآمیز خواهد شد. بنابراین در هریک از دوره‌های تاریخی پیش از مدرن، دوران مدرن و دوران فرامدرن، هویت به گونه‌ایی در ساحت معماری و شهرسازی متجلی شده، که می‌تواند بخشی از مشخصات فرهنگی و اجتماعی آن دوران را بازتاب دهد. مقایسه تطبیقی رویکرد جوامع نسبت به هویت و نحوه تجلی اندیشه آن‌ها در بناها و به تبع در سیمای شهرها در سه دوره مذکور، می‌تواند راهگشای تحلیل هویت معماری در دوران معاصر باشد (جدول ۱).

وضعیت هویت در سه دوره تاریخی

مدل مارتسیا در تبیین وضعیت هویت: کیفیت و هویت متجلی شده در آثار معماری سه دوره پیش از مدرن، مدرن و فرامدرن قابل تحلیل و بررسی است. مارتسیا عوامل تعیین کننده وضعیت هویت را **اکتشاف و تعهد** معرفی می‌کند؛ اکتشاف نیازها و خواسته‌های زمانی و مکانی و تعهد نسبت به ملحوظ داشتن آنها در طراحی. از این رو با بررسی حضور یا فقدان هر یک از دو معیار، می‌توان وضعیت هویت را مشخص کرد. بر این اساس، چهار وضعیت برای هویت طبق جدول ۲ قابل بررسی می‌باشد.

گروه دیگر آثارشان به بناهای مدرن شباهت داشت. همین امر موجب در هم‌ریختگی و تعدد در معماری و سیمای شهر شد و به معماری التقاطی و منجر گشت به گونه‌ایی که بسیار هویتی معماری امروز به «معماری من‌ها» تعبیر می‌شود (حجت، ۱۳۸۴، ۵۹) (شکل ۴).

مقایسه تطبیقی دیدگاه‌ها نسبت به هویت در سه دوره تاریخی

از آنجا که دوران مدرن شروعی بر عصر صنعت بود، این دوره با سایر دوران‌ها تفاوت چشمگیری داشت. چرا که در این دوران پیشرفت‌های صنعتی که دستاورد اصلی این دوره محسوب می‌شوند بر تمامی جنبه‌های زندگی تاثیر گذاشتند و موجب شدند که سایر جوانب و نیازهای زندگی تحت‌الشعاع قرار گیرند. در معماری این دوره عملکردگرایی در رأس مبانی نظری قرار گرفت. ویژگی سبکی این دوره مانند ساخت‌وسازهای صنعتی و به کارگیری مصالح مدرن، تا جایی پیش‌رفت که به شکل‌گیری بناهایی هندسی و هم‌شکل منجر گشت. از این رو معماری به مقوله صرفاً تکنیکی تبدیل شد. بازتاب چنین رویکردی در عرصه شهرها و حتی در جهان، شهرهایی همگرا با ویژگی‌های هویتی ثابت و جهان شمول بود که به «معماری ما» در سطح جهانی شهرت یافت و جهان را به سمت یکی بودن اجباری پیش برد.

در برخی از منابع دوران فرامدرن را دوران بازگشت به سنت‌ها دانسته‌اند. در این منابع آن چه به عنوان نقد دوران مدرن شناخته می‌شود، به عنوان دلیلی برای شباهت دوران سنتی و فرامدرن معرفی شده است. در حالی که تحلیل‌های پژوهش نشانگر آن است که تفاوت چشمگیری میان این دو دوره وجود دارد. قانون‌های الهی و رویکرد ارگانیک در طراحی معماری در دوران سنتی، با نگاه کثرت‌گرا و ساختارشکن دوران فرامدرن قابل جمع نیست. این تفاوت‌ها را در سه گروه می‌توان مورد تحلیل قرار داد.

در حوزه **مبانی نظری**، معماری فرامدرن تبلیغ‌کننده اندیشه‌ایی مردم‌پسند و گزینشی بود. به صورت کلی برداشت التقاطی از مفاهیم سنتی و در هم‌آمیختگی عناصر بومی و غیربومی در این دوران قابل مشاهده است که این مفاهیم در تضادی آشکار با مبانی نظری معماری سنتی قرار دارند. چرا که خداباوری و پایبندی به ارزش‌های معنوی، مبنای شکل‌گیری معماری سنتی بوده است.

در حوزه **ویژگی‌های سبکی**، معماری پست‌مدرن نمود یک معماری التقاطی و آشفته بود. چرا که نوعی معماری پیچیده، طنزگرا و علاقه‌مند به تزئین در سبک معماری این دوره قابل مشاهده است، آثاری که با استفاده از نماد، تمثیل و فرم‌های انتزاعی مشخص می‌شوند. در مقابل، ویژگی‌های سبکی معماری سنتی

جدول ۱- مقایسه افکار و اعتقادات جوامع (بر اساس رویکردشان به هویت) در سه دوره زمانی پیش از مدرن، مدرن و پس از مدرن
 مأخذ: نگارندگان

تبیین معنای هویت		پیش از مدرن	مدرن	پست مدرن
جامعه	قوانین جامعه	اصول سازنده از سوی فرستادگان	قرارداد اجتماعی مبنی بر نظر اکثریت	قرارداد شخصی مبنی بر نظر فرد
	هدف انسان	یافتن هویت الهی واحد	یافتن هویت ویژه واحد برای جهان	یافتن هویت ویژه متکثر برای خویشتن
	رویکرد کلی نسبت به هویت	خدایی بودن	یکی بودن اجباری	خود بودن
	دیدگاه نظری نسبت به هویت	واحد و الهی	واحد و اکتسابی	متکثر و اکتسابی
معماری	مبانی نظری معماری	جهان بینی سنتی و پایبندی به ارزش‌های معنوی و اصل نظم در بینظمی	عملکرد گرایی	کثرت گرایی و برداشت التقاطی از مفاهیم سنتی
	طراحی معماری	معماری منسجم مبتنی بر اصل وحدت در عین کثرت متأثر از محدودیت‌های اقلیمی و فنی	ساخت بناهای هم شکل و هندسی طبق استانداردها	تقلیدی از معماری گذشته و معماری مدرن
	ویژگی سبکی	بهره گیری از طاق و قوس، گنبد و مناره به معنی ترجمان فناوری ساخت در آن دوران	بهره گیری از تکنواوری و ساخت و ساز صنعتی	بهره گیری از نماد، تزئینات، فرم‌های انتزاعی، تقلید معماری گذشته
شهر	تعبیر مردم از معماری شهر	همگرا (در مقیاس خرد)	همگرا (در مقیاس کلان)	واکرا
	ویژگی شهر	معماری ما در مقیاس خرد	معماری ما در مقیاس کلان	معماری من ها
	هویت در معماری	هویت ثابت و منطقه شمول	هویت ثابت و جهان شمول	هویت متکثر

برخوردار نشود. از این رو هویت زودرس در آثار معماری این دوره متجلی گردید.

جدول ۲- وضعیت هویت بر اساس نظریه ماریسا
 مأخذ: نورتقانی، ۱۳۸۵، ۵۶

عوامل مبین وضعیت هویت		اکتشاف	
هویت		پائین	بالا
تعهد	پائین	سردرگم	به تعلیق افتاده
	بالا	زودرس	پیشرفته

جدول ۳- چشم انداز وضعیت هویت در معماری بر اساس نظریه ماریسا

مأخذ: نگارندگان

دوره	تعهد	اکتشاف	وضعیت هویت
دوران پیش از مدرن	بالا	بالا	پیشرفته
دوران مدرن	بالا	پائین	زودرس
دوران فرامدرن	پائین	بالا	تعلیق افتاده
دوران معاصر	پائین	پائین	سردرگم

در دوران پست‌مدرن وضعیت متفاوت بود. در این دوران حجم اکتشافات زیادی صورت گرفت که بیشتر حاصل نواقص و مشکلات اندیشه‌های مدرن بود، اما تعهد نسبت به اجرای تمامی آنها وجود نداشت. چرا که سبک های متعدد شکل گرفته با تمرکز بر یک موضوع خاص، تاکید اصلی را بر آن متوجه نموده، در نتیجه کلیت و وحدت محیط زندگی و حیات انسان را فراموش می‌کردند. از این رو معماری اغتشاش در شهر حاکم شد که بازتابی از هویت به تعلیق افتاده آن دوران بود.

هویت پیشرفته، هویت تعلیق افتاده، هویت زودرس و هویت سردرگم (نورتقانی، ۱۳۸۵، ۵۶). در دوران معاصر هرچه بیشتر آشکار شده است که به کاربرد اصطلاح بی‌هویت در رابطه با افراد و یا پدیده‌ها اشتباه است و در واقع منظور اصلی بدهویت می‌باشد؛ زیرا که هویت وابسته لاجرم هر چیزی است که وجود دارد (حجت، ۱۳۸۴، ۵۷). از این رو هر پدیده با خلق شدن ویژگیهای خاصی را شکل می‌دهد که بسته به سطح دو عامل ارزیابی وضعیت هویت، یعنی اکتشاف و تعهد، کیفیت و وضعیت ویژه‌ایی از هویت را به منصفه ظهور می‌رساند.

تبیین چشم انداز هویت در معماری: بر اساس چهار

وضعیت توصیف شده ماریسا، وضعیت هویت در سه دوره پیش از مدرن، مدرن و فرامدرن را می‌توان اینگونه تحلیل کرد که در دوره پیش از مدرن مقادیر بسیاری از اکتشافات با توجه به شرایط آن دوران، شامل ابعاد متفاوت وجودی انسان و نیازهای او، ویژگی‌های محیط و تکنیک‌های فنی صورت گرفته بود و تمام یافته‌ها توسط معماران در ساخت بنا لحاظ می‌شد که نشان از تعهد آنها نسبت به اکتشافاتشان بوده است. از طرفی دیگر اتخاذ لقب معماری با هویت توسط فضاهای معماری ساخته شده در دوران پیش‌ازمدرن می‌تواند دلیلی بر این ادعا باشد. اما در دوران مدرن با وجود تعهد بالا نسبت به رعایت اصول و قوانین، شکل‌گیری جهان بینی جدید و بی‌توجهی به برخی از خواسته‌ها و ابعاد انسانی باعث شد که سطح اکتشافات ناقص و پائین تلقی شود. چرا که معماری عملکرد گرایانه مدرن از ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی و معنوی فاصله گرفته بود و همین مسئله باعث شد که معماری این دوره از مطلوبیت کافی

بنابراین در عصر حاضر، گرایش به هویت جنبه‌ای تقلیدی یافته است. بدیهی است تقلید از معماری دوران سنتی نمی‌تواند شکل‌دهنده معماری با هویت باشد. چرا که اکتشافات دوران سنتی متفاوت از اکتشافات دوران معاصر است. در این دوران طراحی معماری به عنوان دانش و فعالیتی که در ابعاد زمان و فضا رخ می‌دهد می‌بایستی تغییر مجدد موضع دهد به این معنی که باید خواسته‌های بشر امروزی به درستی شناخته شود و از تمامی امکانات محیطی و صنعتی بهره برده شود، تا در آخر با توجه به مکشوفات و دستاوردها و تعهد نسبت به تحقق آن‌ها در کالبد بنا بتوان به ساخت معماری با هویت پیشرفته امیدوار بود.

چشم‌پوشی شد. تحقق کالبدی این دیدگاه در حوزه عمل به شکل‌گیری شهرها و آثار معماری متأثر از جریان عقل‌گرایی و فلسفه پوزیتیویسم (اثبات‌گرایی) منجر گشت و عملکردگرایی در رأس اولویت‌ها قرار گرفت. اندیشه‌های معماری سبک بین‌المللی منبعث از این تفکر، نوعی معماری تکنولوژیک را پیشنهاد می‌نمود که می‌توانست در سراسر دنیا به یک شکل اجرا شود. تجسم این اندیشه در ساخت و سازهای صنعتی و شهرک‌های ساخته شده در سراسر دنیا قابل مشاهده می‌باشد؛ بناهایی هم‌شکل که بصورت یکسان در ردیف‌های کاملاً منظم ساخته می‌شدند. مجموعه‌ها در کلیت خود از نظمی هندسی تبعیت می‌کردند و تک بناها نیز بصورت کاملاً مشابه ساخته می‌شدند. از این رو می‌توان دوران مدرن را زمانی برای حرکت به سوی شبیه‌شدن و هم‌شکلی دانست. در واقع سبک بین‌المللی، دوران بی‌توجهی سهل‌انگارانه به فرهنگ‌ها بود و نام‌گذاری این سبک به سبک بین‌المللی، گسترش هویت اجباری و نادیده‌گرفتن فرهنگ‌های مختلف را به نمایش می‌گذاشت (جدول ۴). پست‌مدرنیته با سیاست انکار و نقد مدرن متولد شد. در دوران فرامدرن کاستی‌های حاصل از اندیشه‌های مدرن بیش از پیش نمایان شد. پست‌مدرنیته فراروایت‌های فرهنگی و اجتماعی را انکار کرد و در تلاش بود که از خرده فرهنگ‌ها بهره‌گیری نماید. در این دوران نوعی اندیشه واگرا بر خلق آثار معماری حاکم شد که نتیجه آن، گرایش به کثرت‌گرایی، همراه با تنوع‌طلبی در پروژه‌های معماری بود. مفهوم درست و نادرست دستخوش تغییر شد و هر چیز می‌توانست درست یا نادرست باشد. به همین دلیل ارزش‌های حاکم در دوره‌های گذشته جای خود را به سبک‌های معماری متعدد دادند. از این رو دوران فرامدرن را دوران تنوع‌طلبی و سبک‌های معماری زودگذر خوانند. در این دوران گرایش‌های مختلفی برای پاسخگویی به مسئله هویت شکل گرفتند اما به دلیل نداشتن اصول

در دوران معاصر شرایط به گونه‌ایی است که سرعت تغییرات چنان افزایش یافته که به سازنده‌های محیط امکان تسلط بر اوضاع داده نمی‌شود؛ به اینصورت که آنها فرصت کسب تجربه و تبدیل مواد خام به نیازهای انسانی را ندارند. از این رو می‌توان حجم مکشوفات دوران معاصر را نسبت به تغییرات و دستاوردهای نوین کم دانست. از طرفی دیگر در این دوران تشکیک نسبت به یافته‌های قبلی نیز ایجاد گشته و تعهد نسبت به آنها کم‌رنگ شده است. پیامد این وضعیت، شکل‌گیری هویت سردرگم می‌باشد که حتی در معماری نیز قابل مشاهده می‌باشد. «معماری امروز دوران سرگشتگی و واژگونی خود را می‌گذراند، که علت آن نبود معنی در معماری است.» (حجت، ۱۳۸۲، ۶۵، جدول ۳).

نتیجه‌گیری

مطالعات صورت گرفته نشان‌دهنده آن است که مساله هویت در دوران معاصر تحت تاثیر تغییر مفهوم هویت در سه دوره پیش‌ازمدرن، مدرن و پس‌ازمدرن بوده است. در دوران پیش‌ازمدرن باورهای دینی، شرایط اقلیمی، محدودیت‌های فنی و نیازهای اجتماعی نوعی معماری منسجم و هماهنگ را ایجاد کردند که به سبب انسجام شکل گرفته، به معماری با هویت مشهور شد. نوعی نظم پنهان در این معماری مشاهده می‌شود که موجب شده، اصل وحدت در کثرت در این آثار قابل مشاهده باشد. در این دوران هرچند بناها با یکدیگر متفاوت بودند و هیچ دو بنایی را نمی‌توان یافت که با دیگری هم شکل و یا همسان باشد، اما نوعی هماهنگی آلی (زیستی) در آن‌ها وجود داشت. نمونه‌های قابل توجهی از این انسجام در شهرهای سنتی ایرانی خلق شده‌اند. بر اساس دسته‌بندی ارائه شده می‌توان این دوره را دوره انسجام در کلیت و تفاوت در جزئیات دانست. شهرهای سنتی از یک کل منسجم و تک بناهای متنوع تشکیل شده بودند. در مبانی نظری معماری ایرانی از آن با نام «نظم در بی‌نظمی» یاد می‌شود، که ریشه حکمی آن به اصل وحدت در کثرت باز می‌گردد.

جدول ۴- الگوی تبیین هویت معماری بر اساس تعامل نوآوری و عنایت به گذشته؛ طبق نظریه ماریسا
مأخذ: نگارندگان

عوامل مبین هویت معماری		نوآوری (تحول)	
		پایین	بالا
عنایت به گذشته (تداوم)	پائین	معماری زودگذر	معماری تکنولوژیک
	بالا	معماری تقلیدی	معماری با هویت پیشرفته

در دوران مدرن به انسان به عنوان یک کل با نیازهای فیزیولوژیکی نگریده شده و از نیازهای معنوی و روحانی او

- ۱۰) دهخدا، علی اکبر، (۱۳۳۴). «**لغت نامه دهخدا**». دانشگاه تهران، تهران.
- ۱۱) رحیم زاده، محمد، (۱۳۷۹). «**مفهوم هویت**». دومین کنگره تاریخ معماری و شهر سازی ایران، ارگ بم، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.
- ۱۲) شایگان، داریوش، (۱۳۸۰). «**افسون زدگی جدید، هویت چهل تکه و تفکر سیار**». مترجم: فاطمه ولیانی، نشر و پژوهش فرزانه، تهران.
- ۱۳) شولتز، کریستین نوربرگ، (۱۳۷۲). «**هایدگر و معماری پست مدرن**»، ترجمه کاوه عباسی، کیهان فرهنگی، ع.
- ۱۴) طاهایی، عطا الله، (۱۳۸۱). «**تحلیل پدیده معماری پست مدرن و نسبت آن با معماری معاصر ایران**». (رساله دکتری). دانشگاه تهران، تهران.
- ۱۵) عمید، حسن، (۱۳۶۳). «**فرهنگ عمید**». انتشارات امیر کبیر، تهران.
- ۱۶) فن مایس، پیر، (۱۳۸۴). «**عناصر معماری: از صورت تا مکان**». ترجمه فرزین فر دانش، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- ۱۷) قبادیان، وحید، (۱۳۸۳). «**مبانی و مفاهیم در معماری معاصر غرب**»، انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.
- ۱۸) قطبی، علی اکبر، (۱۳۸۷). «**مفهوم هویت و معماری امروز ایران**». آینه خیال، شماره ۱۰.
- ۱۹) معین، محمد، (۱۳۷۱). «**فرهنگ لغت فارسی**». تهران: انتشارات امیر کبیر.
- ۲۰) مهدوی نژاد، محمد جواد، (۱۳۸۳). «**معماری پیشرو و پیوند با گذشته: جستاری از منظر هویت بر آینده معماری کشورهای اسلامی**». آبادی، شماره ۴۶.
- ۲۱) مهدوی نژاد، محمد جواد، (۱۳۸۵). «**سیر اندیشه های معماری**»، انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران.
- ۲۲) میر مقتدایی، مهتاب، (۱۳۸۳). «**معیار های شناخت و ارزیابی هویت کالبدی شهرها**». هنرهای زیبا، شماره ۱۹.
- ۲۳) نسبیست، کیت، (۱۳۸۶). «**نظریه های پسامدرن در معماری**»، مترجم: محمدرضا شیرازی، نشر نی، تهران.
- ۲۴) نقی زاده، محمد، (۱۳۷۹). «**رابطه هویت سنت معماری ایران با مدرنیسم و نوگرانی**». هنرهای زیبا، شماره ۷.
- ۲۵) نوحی، سید حمید، (۱۳۷۴). «**پدیده اعوجاجی در تاریخ معماری معاصر ایران**»، مجموعه مقالات اولین کنگره تاریخ معماری و شهر سازی ایران، جلد نخست، انتشارات سازمان میراث فرهنگی، تهران.
- ۲۶) نودزی، حسینعلی، (۱۳۷۹). «**صورت بندی مدرنیته و پست مدرنیته**»، انتشارات نقش جهان، تهران.
- ۲۷) نورتقانی، عبدالمجید، (۱۳۸۵). «**هویت مسکن شهری**». پایان نامه ارشد دانشکده هنر و معماری دانشگاه شیراز، استاد راهنما: دکتر شهرام پوردهییمی.
- 28) Groat, L. & wang, D. (2002). «**Architectural Research Method**». John Weily & Sons, Inc., United States of American.
- 29) «**Oxford English Dictionary: 11th Edition Revised**», (2008). Edited by Catherine Soanes & Angus Stevenson. Oxford University Press Inc., Newyork.

معین، منجر به ساخت بناهای ناهمگون و نامتجانس شدند. چرا که آثار این گروه به دو دسته تقلید از آثار گذشته و تقلید از بناهای مدرن منجر گشت، و معماری اغتشاش را شکل داد. بنابراین پست مدرن هم در عمل به دستیابی نوعی معماری با هویت پیشرفته موفق نشد.

مطالعات صورت گرفته نشانگر آن است که با هویت بودن آثار معماری گذشته حاصل بازتاب ارزش‌های انسانی در ساخت معماری است. اما نباید ساخت دوباره بناهایی به شکل آثار معماری سنتی را با ساخت معماری با هویت یکی دانست. چرا که معماری سنتی مطابق با نیازهای دوران سنتی بوده است و ساخت دوباره آن‌ها در زمان حال، با مقتضیات دوران معاصر هماهنگ نخواهد بود. برای احیای هویت در دوران معاصر می‌بایست نیازهای مادی و معنوی مخاطب را بازشناسی کرد، محیط را با تمام ویژگی‌های اقلیمی و محیطی آن شناخت و با تکنیک‌ها و فناوری‌های موجود آشنایی پیدا کرد. چرا که مجموعه این شناخت‌ها و مکشوفات در کنار تعهد به کارگیری اصول شناخته شده و لحاظ کردن آنها در فرایند طراحی، هویت معماری پیشرفته را به منصفه ظهور می‌رساند؛ کیفیتی که با متجلی شدن در کالبد معماری، فضاهایی مطلوب و کارآمد را شکل می‌دهد و در عین حال به شکل‌گیری معماری همگرا در مقیاس شهری منجر می‌گردد. در عصر حاضر، هر چه بیشتر آشکار شده است که شکل‌گیری معماری با هویت نه تنها با مفاهیم معاصر نظیر پایداری، ساخت مکان و بهره‌گیری از فناوری‌های پیشرفته ساخت مغایرتی ندارد، بلکه لازمه یکدیگرند و یک هدف را دنبال می‌کنند.

فهرست مراجع

- ۱) ایل، کریس، (۱۳۸۷). «**معماری و هویت**». ترجمه دکتر فرح حبیب، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران.
- ۲) احمدی، بابک، (۱۳۷۲). «**نگرش فلسفی به پست مدرن**»، آبادی، شماره ۱۰.
- ۳) اردلان، نادر و بختیار، لاله، (۱۳۸۰). «**حس وحدت**»، ترجمه حمید شاهرخ، نشر خاک، اصفهان.
- ۴) آشوری، داریوش، (۱۳۸۴). «**ما و مدرنیته**»، موسسه فرهنگی صراط، تهران.
- ۵) آغاچری، هاشم، (۱۳۸۰). «**دیالوگ سنت و مدرنیته**»، آبان، شماره ۱.
- ۶) الکساندر، کریستوفر، (۱۳۸۱). «**معماری و راز جاودانگی**»، ترجمه: مهرداد قیومی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، مرکز چاپ و انتشارات.
- ۷) تاجیک، محمد رضا، (۱۳۸۴). «**روایت غیریت و هویت در میان ایرانیان**»، فرهنگ گفتمان، تهران.
- ۸) حجت، عیسی، (۱۳۸۲). «**بسی‌ارزشی ارزش‌ها**»، هنرهای زیبا، شماره ۱۴.
- ۹) حجت، عیسی، (۱۳۸۴). «**هویت انسان ساز، انسان هویت پرداز**»، هنرهای زیبا، شماره ۲۴.